

وضعیت شناسی حجاب و الزام به آن در سبک زندگی دانشجویی

سید مرتضی میرتبار*

یاور عیوضی**

علیرضا ادریسی***

چکیده

با افزایش موج دانشجویی در چند دهه گذشته شاهد ظهور و بروز سبک زندگی منحصر به فردی حول چنین موجودیتی در جامعه بوده‌ایم که پژوهش حاضر حول بُعد حجاب آن متمرکز شده است. با توجه به نقش پررنگ دانشجویان در تغییرات اجتماعی و از سوی دیگر پروبلماتیک شدن حجاب در جهان زیست جامعه ایرانی، موضوع حاضر موضوعیت می‌یابد. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان ایرانی هستند و نمونه‌ای به حجم ۳۸۴ نفر انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است که جهت سنجش کم‌وکیف حجاب نزد دانشجویان از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. در این پژوهش اطلاعات پردازش و از طریق برنامه آماری SPSS تحلیل شده است. کاهشی بودن التزام به حجاب، شخصی شدن، معنی‌شناسی خنثی (گاهی مثبت از بدحجابی) در کنار تقویت نگاه غیردینی و عرفی به حجاب مهم‌ترین تغییرات عمده‌ای است که در پژوهش حاضر استنتاج شده است. همسو با چنین تغییراتی راهبردهایی در عرصه‌های سیاست‌گذاری، خانواده، مراکز تربیتی و اقتصاد حجاب ارائه شده‌اند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، دانشجوی، حجاب، اقتصاد حجاب، دانشگاه.

* دکتری مطالعات تطبیقی ادیان و پژوهشگر مرکز پژوهشی مینا، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

smbb_110@yahoo.com

** دکتری جامعه‌شناسی و پژوهشگر مرکز پژوهشی مینا، قم، ایران.

ya.eivazy@chmail.ir

*** دانشجوی دکتری رشته پژوهشگری امنیت، دانشگاه امام باقر (ع)، قم، ایران.

alireza.edrisi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

۱. مقدمه

با جست‌وجو در منابع تاریخ انقلاب، می‌توان رویکردهای متفاوت زیادی در حوزه انقلاب اسلامی و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن به‌ویژه مسائل مرتبط با زنان یافت. از منظر میریان کوک، نویسنده‌ای از جامعه زنان فمینیسم مسلمان، شاید هیچ رویداد تاریخی در ایران، اندازه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه‌السلام در سال ۱۹۷۹ بر جامعه زنان مسلمان ایرانی اثرگذار نبوده است، زیرا این پیروزی، نخست یک جنبش سیاسی با الهام از نظر مذهبی برای تأسیس یک دینداری در دوران مدرن بود (Cooke, 2001, p. IX)؛ اما با وجود این، مسئله حجاب به‌منزله یکی از شاخص‌های اصلی ایدئولوژی انقلاب اسلامی، از جمله موضوعاتی بود که باعث دوقطبی شدن و جریان‌سازی متعدد فرهنگی در ایران گردید، چراکه پوشش‌های جدید و رسمی به‌صورت حجاب برای بانوان و متعاقب آن، مدل‌های پوششی خاص برای آقایان، در قالب یک هنجار عمومی سبب تفاوت عمده‌ای در گفتمان فرهنگی و اعتقادی گردید که ماحصل آن تحول بزرگی در سبک زندگی ایرانیان شد. این گفتمان در دهه اول بعد از پیروزی انقلاب نیز مشهود بود (مؤمنی و کلانتری ۱۳۹۵، ۱۹۳)، اما با وجود آنکه کلیت آن به‌مثابه یک الگوی فرهنگی، مسئله‌ای پذیرفته شده است، تفاوت در دیدگاه، محدوده، شکل و الگوی آن محل اختلاف در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی گردید و از سوی دیگر، جامعه شاهد گذار از ترجیحات ارزشی و هنجاری جامعه شد و شکل پوشش و در رأس آن حجاب، از حالت ساختاری به عاملیت (کنشگرانه، فردی و سلیقه و ذائقه اجتماعی) تحول پیدا کرد (عشایری و همکاران ۱۴۰۱، ۲۱) و سبب تولید سبک‌های مختلف پوشش در زندگی گروه‌های جامعه گردید. نمونه بارز این اتفاق در سبک زندگی دانشجویی بروز یافته است؛ سبکی که حجاب و پوشش به‌منزله یک خرده‌فرهنگ^۱ مهم و متمایز از نظام فرهنگی مسلط بر جامعه، همواره نیاز به بررسی دارد (یحیایی ۱۳۹۸، ۱۹۰) و بی‌تردید با رواج مسئله حجاب در جایگاه یک سبک رفتاری و فکری در میان دانشجویان و همچنین پذیرش گذار از سبک زندگی سنتی (مدنظر دهه اول انقلاب) به سبک زندگی مدرن و بازنمایی شده از فرهنگ غرب در میان جوانان، به‌ویژه دانشجویان و اختلال در توازن میان قانون پوشش و هنجار اجتماعی بودن آن، واکاوی و وضعیت‌شناسی این امر ضرورتی دوچندان می‌یابد، به گونه‌ای که امروزه

۱. منظور از خرده‌فرهنگ، فرهنگی است که از نظام فرهنگی مسلط جامعه متمایز است. جلوه چنین تمایزی را می‌توان در زبان، لباس، حرکات بدنی، آداب، شیوه رفتار و پشت‌کردن به برخی ارزش‌های پذیرفته شده جامعه دید.

شاهد پارادوکس‌ها و تضادهای پوشش در میان دانشجویان، به‌ویژه حجاب در بانوان هستیم. همین مسئله باعث گردیده است که مسئله حجاب در حد یکی از چالش‌های جنگ نرم و تهاجم فرهنگی در ایران به‌ویژه در میان جوانان شناخته شود و به‌مرور تبدیل به یکی از شاخص‌های اصلی امنیت نرم در جمهوری اسلامی گردد (امامی ۱۳۹۲، ۱۱۵)؛ شاید بتوان گفت یکی از علت‌های بروز بدحجابی و حتی پوشش‌های نامتعارف آقایان به‌صورت ریشه‌ای، به تفاوت و تعارض میان تمدن اسلامی و تمدن غربی بازمی‌گردد که بدین صورت عینیت یافته است. درواقع اگر غربی‌ها و نفوذی‌ها در مسئله صداقت یا عفاف ورود می‌کردند هیچ‌گاه موفق نمی‌شدند، اما عینیت یافتن مسئله حجاب به‌مثابه امری بیرونی در تقابل تمدن اسلامی و غربی، چنین آثاری را به همراه داشته است. نباید از این نکته غافل شد که ناموفق بودن در مسئله حجاب، وارد عرصه انواع پوشش‌های دیگر مردانه و زنانه و هنجارهای معطوف به آن نیز خواهد شد که وضعیت نامطلوب حجاب در جامعه فعلی، بیانگر ورود سبک زندگی غربی در انواع گونه‌های پوشش و گروه‌های اجتماعی به‌ویژه جوانان دانشجویی شده است.^۱ درواقع سبک زندگی دانشجویی که از همان سال تأسیس دانشگاه (۱۳۱۳) در ایران به‌عنوان مدل جدیدی از شیوه زندگی معرفی گردید که بعد از انقلاب و با رشد چشمگیر دانشگاه و مؤسسات عالی و جمعیت بالغ بر ۳ میلیون ۲۰۰ هزار دانشجویی در حال تحصیل، بیانگر گروهی عظیم در جامعه ایرانی با سبک زندگی متفاوت و مدرن است که در کنار نقش رهبری بر افکار عمومی، نشان‌دهنده اهمیت زیستی آنان بر تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه در گذار ایران است که نشان از اهمیت سبک زندگی دانشجویی دارد و می‌توان آن را عرصه‌ای نیمه‌عمومی دانست که در این سبک از زندگی، عده زیادی از همسالان درگیر تعاملات فرهنگی، دینی و برخورد‌های قومیتی می‌شوند. این تعاملات می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی بر زندگی فرد داشته باشد و از او در برابر تصمیم‌گیری‌های زندگی اجتماعی‌اش، فردی مستقل و منفعل بسازد. انتقال فرهنگ، جامعه‌پذیری، افزایش تخصص و مهارت، پرورش و رشد شخصی افراد مواردی هستند که افراد در تعاملات خود در این فضا می‌توانند کسب کنند (عباس‌پور و همکاران ۱۴۰۱، ۱۱۲) و یکی از مسائل خرد مرتبط با سبک زندگی دانشجویی، نحوه پوشش و اعتقاد به حجاب و رعایت آن در میان دانشجویان است که می‌تواند تأثیر بسزایی در زندگی بعد از زندگی

۱. بررسی میدانی نگارنده از مصاحبه با چند فروشنده بوتیک زنانه در شمال کشور، بیانگر خرید زیاد پوشش‌های مردانه توسط بانوان جوان است که نشان‌دهنده افزایش دختران پسرنا و شبیه‌سازی جنسی است که بی‌تردید مسئله حجاب و پوشش را با مخاطرات جدیدی در آینده نزدیک روبه‌رو خواهد ساخت.

دانشجویی آن‌ها ایفا نماید و حتی بر سبک زندگی دیگران نیز تأثیرگذار باشد؛ چراکه دانشگاهیان، قشر فرهیخته و اثرگذار در جامعه شناخته می‌شوند که بخش اعظم منابع انسانی را نیز تأمین می‌کنند؛ نیروهای انسانی که تجربه زیست دانشجویی داشته و از آن تأثیر پذیرفته‌اند (افشار و همکاران ۱۳۹۶، ۲۵۲). از این رو، در این پژوهش کوشش شده است وضعیت پوشش در سبک زندگی دانشجویی مورد بررسی قرار گیرد و بدین پرسش پاسخ داده شود: «سبک زندگی دانشجویی چه تأثیری بر پوشش و حجاب دارد؟» به نظر می‌رسد با استخراج وضعیت حجاب و پوشش در دانشگاه‌های کشور، می‌تواند به این پرسش پاسخ داد. بی‌تردید شناخت وضعیت گذشته تا حال مسئله، می‌تواند فتح بابی در آینده پژوهی و ترسیم برنامه‌های راهبردی در دستیابی به وضعیت مطلوب پوشش در سبک زندگی دانشجویی در جایگاه یکی از تأثیرگذارترین مدل در سبک زندگی جامعه ایرانی باشد؛ هدفی بلندمدت که شروع آن از شناسایی وضعیت مسئله به منزله گام اول آن است.

۲. پیشینه تجربی پژوهش و ضرورت آن

با گذشت بیش از ۸ دهه از شکل‌گیری دانشگاه در ایران و متعاقب آن سبک زندگی دانشجویی، خلأیی جدی در پرداختن به این شیوه از زیست اجتماعی در پژوهش‌ها موج می‌زند و همین امر ضرورت پرداختن به آن را دوچندان می‌سازد. بررسی پیشینه پژوهش‌های خارجی، فقط کیکبای و بینارک (۲۰۰۲) در پژوهش «فرهنگ مصرف، اسلام و سیاست سبک زندگی» به بررسی حجاب و آثار گسترش مد حجاب در ترکیه در اوایل دهه ۹۰ میلادی با توجه به وضعیت پیشین آن در اواخر دهه ۸۰ میلادی پرداختند و از شیوه‌هایی که باعث تغییر در مدل حجاب و همچنین رضایتمندی و تغییر در انتخاب آن می‌شود، سخن راندند. در این تحقیق از متغیرهایی همچون تصاویر تبلیغاتی از مجلات زنان اسلامی و کاتالوگ‌های مد شرکت‌های عرضه لباس استفاده شد و به دست آمد که شیوه حجاب در سبک زندگی اسلامی آنان، بر اساس این متغیرها، تغییر معناداری یافت. این تحقیق نشان داد که حجاب به منزله یک فعل مذهبی، از انسجام برخوردار نبوده و معنای منحصر به فردی از آن قابل ارائه نیست. با وجود این، برخی تحقیقات داخلی، مسئله حجاب در ایران را متفاوت از دیگر کشورهای مسلمان می‌دانند. مثلاً، مرندی (۱۴۰۰) مسئله حجاب را شروع جدیدی از بی‌حجابی می‌داند که به برهنگی ختم می‌شود و حد متیقنی ندارد و این امر نشان از تفاوت میان پیشینه خارجی با داخلی دارد.

در پژوهش‌های داخلی به بحث سنجش دینداری یا رابطه دینداری با سبک زندگی پژوهش‌هایی صورت گرفته است و تنها به مثابه گویه در برخی تحقیقات به حجاب اشاره شده است. طبق تحقیق میری‌پور فرد (۱۳۹۲) در میان دانشجویان گیلانی به دست آمد که هر چه سطح دینداری دانشجویان بالاتر باشد از سبک زندگی مدرن فاصله بیشتری دارند و هر چه سرمایه اقتصادی و فرهنگی افراد بالاتر می‌رود، سبک زندگی آن مدرن‌تر می‌شود و گرایش به خاص‌بودگی و تمایز در آن‌ها بیشتر نمایان می‌شود. نتایج تحقیق میری‌بعد (۱۳۹۳) نشان داد گرایش به سبک زندگی اسلامی در بین دختران بیشتر از پسران است و آنان از میزان گرایش بالاتر از متوسط به سبک زندگی دینی برخوردارند. افشار و همکاران (۱۳۹۶) نیز به شناسایی موضوعات اساسی مورد نیاز سبک زندگی دانشجویی از منظر صاحب‌نظران اسلامی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که دوره دانشجویی به لحاظ قرار گرفتن در طیف وسیعی از مشکلات عاطفی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی، دوره‌ای حساس و نیازمند آموزش‌های خاص و دریافت اطلاعات مفید در جهت پیشگیری و حل مشکلات است. طبق این تحقیق، رعایت عفاف و پوشش اسلامی، در اولویت سوم موضوعات اساسی در زمینه فعالیت‌های عبادی بر اساس سبک زندگی دانشجویی قرار دارد که باید مرکز توجه مسئولان و متولیان قرار گیرد. یحیایی (۱۳۹۸)، به پوشش دختران در ارتباطات انسانی خرده‌فرهنگ‌های دانشجویی به روش تحلیل کیفی تعاملی پرداخت که یافته‌های آن نشان داد اعتماد به نفس، زیبایی و دیده شدن برای دختران دانشجو تأثیر مستقیمی در احساس رضایت یا عدم رضایت از پوشش آنان دارد و نظر دیگری، تمایز، اعتراض و آزادی، انگیزه اصلی دانشجویان دختر مورد مطالعه، در انتخاب نوع پوشش و لباسشان تأثیرگذار است.

اما پژوهش‌های شهری و ملی نیز در خصوص پوشش انجام شده است که به نوعی بیانگر تغییرات اجتماعی در مقوله پوشش است که عمدتاً دارای نگرش‌های کمی و معطوف به جامعه عمومی زنان و نه منحصر در دانشجویان و سبک زندگی آنان است. درباره سنجش وضعیت دانشجویان و سبک زندگی آنان می‌توان به تحقیقات ایسپا (۱۳۹۳) با عنوان «سبک زندگی دانشجویان بر اساس الگوی آرمانی فارغ‌التحصیل شایسته نظام آموزش عالی ایران» اشاره کرد. طبق این تحقیق، ۴۱/۵ درصد با این گویه: «حجاب زن باید تمام موها را بپوشاند» موافق و کاملاً موافق بوده‌اند، در حالی که ۲۸/۹ درصد مخالف این مسئله هستند. روند این تحقیق نسبت به سال ۱۳۸۸ بیانگر

کاهش‌ی شدن نگرش به حجاب زن در میان دانشجویان است. طبق پژوهش ایسپا در سال ۸۸ در میان دانشجویان، ۵۸/۳ درصد موافق و کاملاً موافق گویه مذکور بودند، در حالی که در سال ۸۸، این تحقیق در میان شهروندان، بیانگر موافقت و کاملاً موافقت ۶۶/۶ درصد مردم بوده است که نشان از تفاوت دیدگاه دانشجویان با دیگر گروه‌های اجتماعی دارد. غیر از این پژوهش، به مسئله حجاب در سبک زندگی دانشجویی به صورت مستقل پرداخته نشده است و تنها می‌توان از تحلیل داده‌های پیمایشی به نتایجی رسید. مثلاً، در تحقیق ایسپا (۱۳۹۹)، ۴۷/۸ درصد افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و ۲۸/۷ درصد افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی با این جمله موافق بودند که مردم حق دارند از حجاب رسمی تبعیت نکنند. در پژوهش صد اوسیما در اسفند ۱۴۰۰، نزدیک به نیمی از پاسخگویان دانشجویان، حجاب را واجبی شرعی و جزء احکام دینی دانستند و ۳۱/۴ درصد نیز معتقدند جزء احکام بوده، اما فقط توصیه بوده است. همچنین بیش از نیمی از دانشجویان، حجاب در اماکن عمومی را لازم می‌دانند، اما نیازی به سخت‌گرفتن آن نیست و حدود ۱۵ درصد آنان نیز حجاب در اماکن عمومی را لازم نمی‌دانند که بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی هستند. همچنین بیش از نیمی از دانشجویان معتقدند در برابر برداشتن عمدی حجاب نباید مانع شد و فقط ۳۳ درصد قائل به مانع‌شدن بودند. بررسی پژوهش‌ها کمی در این تحقیق نشان می‌دهد دانشجویان نسبت به دیگر گروه‌های اجتماعی، اعتقاد کمتری به حجاب و پیامدهای آن دارند؛ مثلاً نزدیک به ۴۰ درصد دانشجویان، حجاب را موجب عفت و پاک‌دامنی زنان نمی‌دانند و نزدیک به ۷۵ درصد نیز حجاب را امری شخصی عنوان می‌کنند که در این گویه‌ها، نتایج آن با سایر گروه‌ها تفاوت بسیار زیاد دارد؛ همچنین در تحقیق محمد حسین زاده (۱۳۹۹)، بیش از ۷۰ درصد موارد انضباطی دانشجویان در خصوص بی‌توجهی به حریم حجاب و عفاف بوده است. این آمار نیز مؤید عدم رعایت حداکثری دانشجویان به مسئله حجاب شرعی است.

متفاوت بودن این گروه در بسیاری از مقولات سبک زندگی همچون پوشش و حجاب، لزوم وضعیت‌شناسی و سنجش دیدگاه آن‌ها را ضروری می‌سازد. بی‌تردید با آگاهی از میزان رعایت حجاب در میان دانشجویان به مثابه یکی از ابزارهای سنجش دینداری، می‌توان میزان دینی بودن سبک زندگی در بین دانشجویان و میزان تأثیری که سرمایه فرهنگی بر آن دارد را شناسایی نمود و بدین ترتیب، سیاست و برنامه‌ریزی بهتر و همه‌جانبه‌ای برای تشویق و ترغیب بیشتر دانشجویان برای گرایش به سبک زندگی دینی فراهم کرد.

۳. ادبیات نظری تحقیق

با توجه به اینکه این تحقیق در پی یافتن وضعیت حجاب در سبک زندگی دانشجویی است، از این رو در ابتدا لازم است به معرفی مفاهیم و رویکردهای مورد استفاده در برخورد با ارتباط دو مقوله سبک زندگی دانشجویی و حجاب بپردازیم:

۳.۱ سبک زندگی دانشجویی شیوه‌ای متفاوت در زیستن

توجه به تعریف یونسکو از فرهنگ و ارتباط آن با دانشگاه، نشان می‌دهد که ارتباط مستقیم و معناداری میان آن‌ها و شیوه زندگی دانشجویی وجود دارد، به طوری که اولین نقش دانشگاه، ارتقای فرهنگ جامعه شناخته می‌شود که این کارکرد عمیقاً با مفهوم دیگری با عنوان «توسعه همه‌جانبه» پیوند دارد (فاضلی ۱۳۸۶، ۱۷۷) که بستر آن در سبک زندگی دانشجویی معنا بخش است، زیرا برون‌یابی فرهنگ غنی و پیشرفت در گرو دانشجویانی است که در این سبک از زندگی انحصاری خود، به تولید روابط اجتماعی تازه‌ای مبادرت ورزیده و هویت متمایزی در قامت سبک زندگی دانشجویی را تجربه نمایند. سبک زندگی دانشجویی نمایانگر بخشی از فرهنگ دانشگاه است که در بردارنده ارزش‌ها، هنجارها، خواسته‌ها، تمایلات و ... دانشجویان است و نقش مهمی در زندگی دانشجویان ایفا نموده است (عباس‌پور و همکاران ۱۴۰۱، ۱۱۶) و آن را متمایز از دیگر سلوک زیستی می‌کند. با این اوصاف، زندگی دانشجویی که می‌توان آن را به فضاهای مشخصی از قبیل خوابگاه و همه مختصات ساختاری، فرهنگی، روانی آن؛ کلاس‌ها، اساتید، رابطه زندگی دانشجویی و خانواده، زیستن در غربت، گروه‌های دانشجویی و دوستان تقسیم‌بندی کرد، نقش اساسی در شکل دادن به هویت حرفه‌ای دانشجویان دارد (حیدری و رضایی ۱۳۹۱، ۵) و روشی بر مبنای الگوهای رفتاری قابل شناخت تعریف می‌شود که این الگوها از تأثیر متقابل بین ویژگی‌های یک فرد با مداخلات و شرایط اجتماعی و اقتصادی زندگی به دست می‌آید (عباس‌پور و همکاران ۱۴۰۱، ۱۱۶) با توجه به آنکه حجاب به منزله مقوله امنیت فرهنگی در جامعه امروزی شناخته می‌شود و در ابعاد مختلف نیز تأثیرگذار است بی‌شک شناخت وضعیت و سنجش آن در دانشجویان، بازگوکننده برخی مؤلفه‌های سبک زندگی دانشجویی همچون فعالیت‌های عبادی، سیاسی و همچنین مدگرایی و مدیریت بدن این جامعه مهم اجتماعی است.

۳.۲ تمایز حجاب و عفاف در سبک زندگی دانشجویی

با وجود آنکه بسیاری از سیاسیون حجاب و عفاف را یکی تلقی نموده‌اند، باید پذیرفت که رابطه میان آن‌ها عموم و خصوص من وجه است. در تفاوت میان عفاف و حجاب می‌توان گفت عفاف در معنای خاص، اولاً، یک ملکه نفسانی درونی است؛ ثانیاً، ظهور و بروز آن امری برساختی و فرهنگی است به‌گونه‌ای که عملی واحد. نظیر سخن گفتن زن با صدای واضح. ممکن است صرفاً در برخی جوامع مصداق بی‌عفتی محسوب شود و در جوامعی دیگر امری عادی باشد و ثالثاً امری تشکیکی است به‌گونه‌ای که می‌توان برخی از افراد را دارای ملکه قوی عفت، برخی دیگر را دارای مرتبه ضعیفی از آن و عده‌ای را نیز به‌کلی فاقد آن شمرد؛ اما حجاب فقهی اولاً، یک نحوه رفتار بیرونی است؛ ثانیاً، مرزهای آن برساختی و فرهنگی نیست، بلکه میزان واجب حجاب بر زنان در فقه امری روشن است. پوشاندن تمام بدن بر زن واجب است و برخی فقها و اکثر معاصران پوشاندن صورت و دودست تا مچ را بر زنان واجب نمی‌دانند (یزدی بی‌تا، ج ۲، ۶۸۴) و ثالثاً حجاب فقهی با مرز متعینی که دارد، امری تشکیکی نیست و شدت و ضعف در آن معنا ندارد. حجاب دایرمدار بین بودنبود است به‌گونه‌ای که اگر زنی تمام بدن را غیر از مواضع مذکور پوشاند «باحجاب» محسوب می‌شود، وگرنه «بی‌حجاب» است و نمی‌توان در این میان تصور روشنی از مفهوم بدحجاب یا کم‌حجاب داشت، مگر اینکه در واقع حجاب را به معنای عفت اخلاقی محسوب کنیم و ای بسا بدون توجه این دو را بر هم منطبق شماریم (شجریان ۱۴۰۱). طبق این تعاریف، اگر حجاب را تنها امری فقهی در نظر بگیریم، سه نکته قابل تأمل دارد: ۱. مترادف پوشش زنان است؛ پس تعبیر حجاب مردان، نادرست است؛ ۲. مسئله عورت است؛ یعنی همه بدن به جز وجه و کفین و اگر عضو دیگری پوشیده نشود حتی کوچک، حجاب صدق نمی‌کند؛ ۳. پوشش از نامحرم است؛ یعنی پوشش زنان در نماز و طواف، حجاب نامیده نمی‌شود (دهقان‌پور و اوشلی ۱۳۹۸، ۲۷) بدین صورت بحث درباره آن ضرورت نمی‌یابد، چراکه بر اساس مبانی فقهی، هر میزان از رعایت نکردن پوشش مدنظر فقه، چه یک تار مو و چه عریان، بی‌حجابی دانسته می‌شود که طبق قوانین کشور که دایرمدار فقه است، امری لازم و خلاف آن مصداق جرم‌انگاری است و مقوله‌ای به نام بدحجابی وجود ندارد.

اما اگر آن را امری اجتماعی در نظر بگیریم و آن را از دریچه پدیده اجتماعی مورد کاوش قرار دهیم، موضوع معیار، حدود و رابطه حجاب و عفاف و حتی تعریف عفاف

نیز تشکیکی و بر معیار و شرایط هر جامعه تعریف خواهد شد. البته برای تجمیع دیدگاه فقهی و اجتماعی می‌توان گفت منظور از حجاب، حفظ عفاف به معنای اعم و با توجه به همه جوانب آن از رفتاری، گفتاری، پوششی، جنسی و... است که هم شامل آقایان و هم بانوان می‌شود و هم اشتراک معنایی میان دیدگاه فقهی - حقوقی و سیاسی - اجتماعی ایجاد می‌گردد. هرچند که بسیاری اندیشمندان به این تحلیل نیز ایراد وارد می‌کنند، زیرا با منطوق تبصره قانونی حجاب مطابقت ندارد.

دیدگاه مختار این تحقیق، نگرش به حجاب از دریچه جامعه‌شناختی - فقه و اجتماع و نه صرفاً فقه با رویکرد سنتی (ایمانی - عبادی) است؛ یعنی ملاک در اینجا، حجاب به معنی عفاف به معنای اعم است. البته رویکرد فقهی که وجوب حجاب است در آن مدنظر قرار می‌گیرد. مثلاً، زنان روستایی که حجاب فقهی را رعایت نمی‌کنند، اما با پوشش روستایی و سنتی خود هستند در شمار باحجابان در نظر گرفته می‌شوند. چنین زنانی از منظر فقهی نیز مجوز دارند. در واقع حجاب به معنای ستر (حدود شرعی بتمامه) در اسلام نیست، بلکه پوشش اسلامی بانوان با رعایت دو بعد ایجابی و سلبی است. بدین ترتیب منظور از حجاب در این تحقیق، همان نوع رعایتی است که عرف دانشجویی به آن قائل است و پوشش خود را مستلزم رعایت حجاب می‌داند. در این تحقیق، حجاب، یکی از نمودهای عفت اخلاقی و امری تشکیکی لحاظ شده است و کاملاً با رویکرد اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ یعنی ممکن است پوششی در منطقه‌ای از کشور حجاب دانسته شود، اما در نقطه دیگری از کشور، نمود بدحجابی باشد؛ بنابراین، می‌توان گفت فضاشناختی جامعه ایران با توجه به فرهنگ ایرانی و اسلامی آن نشان می‌دهد تفکیک حجاب و عفاف، امری پیچیده و مشکل است.^۱ با وجود این اصل در مسئله حجاب، شرعی بودن و تأسیس آن در فقه و شریعت اسلامی است و آنچه به مثابه نظر مختار ذکر گردید، درباره نسبت رعایت حجاب و الزام آن در جامعه اسلامی است.

۳.۳ صورت‌بندی سبک زندگی در ساحت نظری

تبیین و شناخت سبک زندگی از منظر آدلر، ویلن، بورديو، زیمل و گیدنز، می‌توان به صورت‌بندی مشخصی از سبک زندگی رسید. در جدول ذیل به اختصار به آن اشاره می‌شود.

۱. عبدالرحمانی، رضا و سهرابی، حسین علی، آسیب‌شناسی ارتباطات بین سازمانی متولیان حجاب و عفاف، نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۹۰، زمستان ۱۳۹۹، ص ۶۵.

خوانش	قائل	تبیین و تشریح	صورت بندی
مصرفی بودن نقش جنسیتی زنان	ویلن	کارکرد نمایشی مصرف، راهکاری برای کسب منزلت اجتماعی برای زنان است. این مصرف، فرصتی برای ابراز هویت فردی زنان است که از این طریق به تولید سبک زندگی پرداخته و هویت جدیدی می یابند (فاضلی ۱۳۸۲).	مصرفگرایی
نقش شهرنشینی بر ایجاد سبک زندگی	زیمل	شهر جایگاهی برای آزادی فرد از تمام قیود جامعه سنتی و نویدبخش فردیت است (Zygmunt Bauman, 1992).	جلوه‌گری
رابطه متقابل سرمایه اجتماعی و سبک زندگی	بورديو	میزان برخورداری از انواع سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... منجر به شکل‌گیری گروه‌های خاص با سبک زندگی ویژه می‌شود. (نوروزی و پت رامی ۱۳۹۵). سبکی که همه چیزهای اطراف انسان اعم از مسکن، اسباب و اثاثیه، کتاب‌ها، سیگارها، عطرها، لباس و ... بخشی از آن را شکل می‌دهند (Palumest ۲۰۰۲).	هویت جدید سرمایه
سبک زندگی محصول مدرنیسم	گیدنز	مدرنیسم و فاصله گرفتن از شیوه زندگی سنتی، افراد را از قیود انتخاب‌های سنتی می‌رهاند و حق انتخاب نیز عاملی در تنوع سبک زندگی شده است. او معتقد است سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین و حالت‌ها و سلیقه‌ها مانند طرز لباس پوشیدن و طرز آرایش، دکور منزل و شیوه گذران اوقات فراغت در زندگی روزمره است که شامل پوشش و حجاب نیز می‌شود (گیدنز ۱۳۷۸).	زیستی فردگرایی با تأثر از دیگری
تجویزی بودن سبک زندگی	آدلر	سبک زندگی فرآیندی است که به صورت درخت زندگی ترسیم می‌شود که ساقه این درخت، شامل اعتقادات و نگرش‌های کلی افراد است و شاخه‌ها وظایف را بیان می‌کنند (کاویانی ۱۳۹۲). پوشش و اعتقاد به هنجار بودن آن از مقولات سبک زندگی دانسته می‌شود.	فرآیندی

تبیین نظریه‌ها نشان می‌دهد سبک زندگی، مجموعه‌ای از شناخت‌ها و عواطف فرد است که به صورت عینی و مشهود نشان می‌دهد که با مقولات مهمی همچون فردیت، هنجارگرایی، هویت نوین و شکل دهی به اجتماعی جدید ارتباط مستقیمی دارد. از این رو، وقتی از سبک زندگی دانشجویی سخن رانده می‌شود باید به دو نکته توجه کرد: نخست آنکه از ویژگی‌های فرهنگ زیستی جوانان، دیده شدن و جلوه کردن یا همان متفاوت بودن است که از گرایش به نوع خاص از موسیقی گرفته تا سبک خاص آرایش مو و لباس و ... دوم، آنکه سبک زندگی به طور روزمره در حال جریان یافتن است، چراکه دانشجویان درگیر الزامات زندگی تکنولوژیک، رسانه‌های مخصوص اوقات فراغت و ارتباطات،

فرهنگ مصرف‌گرایی، تحولات فکری و اعتقادی و اخلاقی است و افرادی همچون اساتید و عالمان، چهره‌های مورد پذیرش دانشگاهیان و همسالان دانشجو، تأثیر زیادی در تغییر و تحول آن دارند (هاشمی ۱۴۰۰، ۵۷۸). علاوه بر آن باید دانست افزایش رواج مصرف‌گرایی، تجمل‌پرستی، فردگرایی، انحرافات اجتماعی و آشفتگی و به دنبال کاهش پایبندی به ارزش‌های دینی فرهنگ مصرف و اشاعه نوعی خودباختگی در برابر الگوها و سبک زندگی غربی توسط رسانه‌های فراملی، به بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور دامن زده است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که همت گماشتن به تعریف و ارائه سبک زندگی دانشجویی با رویکرد اسلامی - ایرانی، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد؛ اما حقیقت آن است که برای رسیدن به این مدل، نخست باید وضعیت این نوع از سبک زندگی را شناسایی و سنجش نمود. بسیاری از پژوهش‌های خارجی، وجود بیماری‌های روانی و جسمی و آسیب‌های اجتماعی را با سبک زندگی مرتبط می‌دانند، همچنین پژوهش‌های داخلی، وجود مشکلات جسمی و روانی و آسیب‌های اجتماعی مثل اعتیاد، طلاق، الکلیسم، مصرف‌زدگی، تجمل‌پرستی و بیکاری را متأثر از غلبه سبک زندگی غربی در کشورمان می‌بینند که امروزه در سبک زندگی دانشجویی دیده می‌شود، اما یکی از این ناهنجاری‌ها، نوع پوشش و چگونگی رعایت حجاب است که در این تحقیق به صورت متغیری وابسته به سبک زندگی دانشجویی، بررسی می‌شود.

۳.۴ صورت‌بندی حجاب در ساحت نظری

از ویژگی‌های فرهنگ دوران اخیر و رایج‌شده در سبک زندگی، بصری شدن منبع اصلی برقراری ارتباط است که از آن با عبارت «مدیریت بدن» نام برده می‌شود. یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن نیز پوشش است که در سبک زندگی اسلامی - ایرانی برای بانوان حجاب گفته می‌شود. بررسی دیدگاه اندیشمندان جامعه ایرانی معاصر بیانگر تفاوت رویکردها در خصوص حجاب دارد. در جدول پایین، به طور مختصر به برخی از این نظرات پرداخته می‌شود:^۱

۱. آبیاری، زهرا و همکاران، چالش‌های نظری حجاب در ایران پسا انقلاب: تحلیلی بر رویکردهای موجود از حجاب و عفاف، نشریه اسلام و علوم اجتماعی، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹: ترکاشوند، امیر، حجاب شرعی در عصر پیامبر، تهران، بعثت، ۱۳۸۹؛ مرنیسی، فاطمه، زنان پرده‌نشین و نخبگان جوش‌پوش، ترجمه ملیحه مغازه‌ای، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰؛ مهریزی، مهدی، نواندیشی دینی و مسئله زن، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۹؛ و ...

تبيين و تشریح	قائل	خوانش	رویکرد
پرهیز دادن زنان از آمیختگی با مردان و حضور در عرصه‌های مردانه؛ پوشش تمام بدن زن حتی وجه و کفین واجب یا مطابق با احتیاط است.	آیات عظام روحانی، اشتهاردی، گلپایگانی و خویی	جدایی زن و مرد، حجاب فقهی کامل	سنتی (عبادی - ایمانی)
طبق قانون، وظایف و مسئولیت‌های کنشگران در عرصه‌های حیات اجتماعی تعیین می‌شود.	نظام‌های حقوقی	لزوم رعایت حجاب شرعی	حقوقی
عدم التزام اخلاقی پوشش و حجاب و عدم نسبت میان حجاب و کنش عقیفانه؛ حجاب معطوف به حسن و قبح عقلای جامعه و تابعی از مدح و ذم عقلا و امری عرفی - اجتماعی است.	عبدالکریم سروش	عرفی - اجتماعی	
انتقاد از روش گذشتگان به حجاب (تاریخی بودن مسئله حجاب) و نقد غلبه نگاه هویتی و فقهی به مسئله حجاب؛ عفت و وظیفه‌ای عمومی و متشکل از سه وظیفه وفاداری، بهبود خود و آسیب نرساندن به دیگران است که عدم پوشش موی سر و گردن و بسنده کردن به حجاب عرفی، به این وظایف آسیب نمی‌زند.	سروش دباغ	عدم الزام اخلاقی	
تقسیم حجاب به دو حکم اولی واجب و ثابت برای حجاب و ثانوی متغیر بر مبنای جامعه؛ طبق حکم ثانوی که ملاک آن جلوگیری از مفسده در جامعه است، پوشاندن همه بدن جز وجه و کفین، وابسته به عرف و شرایط مکانی است و حکم قطعی بر وجود آن نیست.	کدیور	عدم الزام فقهی	
با نگرش تقلیل‌گرایانه، اصل حجاب واجب است، اما عدم رعایت آن مستلزم کیفر و الزام حکومتی نیست، مگر در صورتی که رفع حجاب، عفت عمومی را جریحه دار نماید. برخورد قهری حکومت با ناهنجاری بدپوشش، فاقد جاهت شرعی است.	برخی روشنفکران و نواندیشان همچون ایازی	عدم الزام حکومتی	نواندیشانه
با نقد قرائت رسمی از دین و لزوم توجه به ملاحظات فلسفی، ارزشی و حقوقی به مسئله؛ قرائت رسمی و مبتنی بر اصول فقه و نگرش کلامی، به بن بست رسیده و دچار ناسازه و پارادوکس بین فلسفه انسان‌شناسی و حقوق گردیده است. ادله اقامه شده برای توجیه نظام و حقوق خانواده در فتاوی مختلف فقیهان، قانع‌کننده نیست و نیازمند تحول تبیینی و تفسیری در مسئله حجاب هستیم.	مجتهد شبستری، علیجانلی	تفسیری	
حجاب امری تاریخی و شامل شرایط فعلی نمی‌شود. این نظریه با به چالش کشیدن تصویر حجاب در دوران نخستین اسلام معتقد است فتاوی فقه‌ها تا قرن هشتم، حجاب حاجز را به معنای عفت گرفته و پوشش سر را فاقد استناد نقلی معتبر می‌داند.	ترکاشوند	تاریخی	

رویکرد	خوانش	قائل	تبیین و تشریح
تبیینی (کلامی - اجتماعی)	مبتنی بر عفاف	امام خمینی، شهید مطهری، علامه طباطبایی و ...	در این خوانش، حجاب، نشانه بیرونی عفاف است و این گفتمان، نوعی قرائت از آیات حجاب است که نشان می‌دهد حجاب سبب اهمیت یافتن ارزش‌های درونی زنان می‌شود و قوام اجتماعی آن‌ها را تضمین می‌کند.
	هویت محور سمبولیکی (نمادی - انقلابی)	مقام معظم رهبری و ...	حجاب نمادی برای احراز هویت اسلامی و سمبل مقاومت بر ضد مشروعیت حکومت در دوران پهلوی بود که بعد از انقلاب، چرخشی مثبت به سوی ارزشمندی داشته و تجلی و نمود فرهنگ اسلامی را نشان می‌دهد. از این رو، حجاب به مثابه یک نشانه، نماد و رمز است و مضامینی از بیانات رهبری همچون حجاب به مثابه لباس ملی ایرانی، (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۷/۲۰) مسئله حجاب، یک مسئله ارزشی، (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۰/۴) نماد گسترش اسلام و انتقال‌دهنده پیام به سایر جوامع، (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶) برتری حجاب بر پرچم کشور، (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۰/۲۱) نماد شخصیت و هویت زن مسلمان، (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۲۰) نشان از چرخش حجاب از امری صرفاً عبادی به رسانه‌ای ماهیتاً انقلابی است.
فمینیستی	مبتنی بر انزوا	فاطمه مرنیسی و ...	تفسیر حجاب به مثابه ابزار انزوا و محدودیت زنان از منظر فمینیست‌های مسلمان؛ مضمون آیات حجاب، در بردارنده توصیه پوشش به مردان است نه زنان.
	مبتنی بر امر قانونی	فمینیست‌های اسلامی در ایران و سکولار ایرانی	داشتن حجاب نه تنها یک امر قانونی، بلکه الزام اسلامی است که بر زنان تحمیل می‌شود. نظام حقوقی ایران، دین را وسیله اعمال خشونت و سلب آزادی قرار داده است.
	انتخاب‌گری	-	حجاب به مثابه امری اجباری در مقابل گفتمان انتخاب به چالش کشیده می‌شود.

به نظر می‌رسد رویکرد حجاب و عفاف در جامعه ایران، بر مبنای رویکرد سنتی - تبیینی (فقهی - اجتماعی و سیاسی) مورد لحاظ قرار می‌گیرد. بر این اساس، حجاب، مبتنی بر عفاف و نشانه بیرونی عفاف دانسته می‌شود و علاوه بر آن از نمادها و نمودهای نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به سایر نظام‌ها و جوامع است و کاملاً اصالت و ماهیتی انقلابی و سیاسی در کنار وجوه دینی آن دارد. در واقع، میان گونه‌های مختلف رویکردی در مطالعه مسئله حجاب، رویکرد فقهی مهم‌ترین رویکرد در مطالعه حجاب دانسته می‌شود (اخلاصی و همکاران ۱۴۰۰، ۲۳۵) و سایر رویکردها به گونه‌ای در حال بازتعریف کردن یا اثبات آن هستند.

۴. روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله از نوع پیمایش و از پرسش نامه خودسنجی^۱ جهت جمع آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری در این تحقیق جمعیت دانشجویی هستند که طبق آخرین آمار اعلامی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (در سال ۱۴۰۰) سه میلیون و ۱۷۳ هزار و ۷۷۹ نفر برآورد شده است.^۲ طبق جدول مورگان، حجم نمونه ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی متوازن شده^۳ انتخاب شدند. در این پرسش نامه اغلب از طیف لیکرت استفاده شده است که پس از جمع آوری پرسش نامه‌ها، داده‌ها با نرم افزار SPSS پردازش و تجزیه و تحلیل شدند.

برای سنجش روایی ابزار و شاخص‌ها، پرسش نامه مورد نظر تنظیم و در اختیار تعدادی از اساتید و صاحب نظران قرار گرفت و پس از استخراج نظراتشان، اصلاح نهایی صورت گرفت. نتایج به دست آمده از پرسش نامه‌ها برای سنجش پایایی متغیرها استفاده شد. مسئله پایایی این است که ابزار اندازه‌گیری با چه دقت و صحتی پدیده یا صفت مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کند. به همین منظور آزمون مقدماتی به عمل آمد و با گزارش آزمون آلفای کرونباخ مبنی بر پایایی تست‌ها، بر اساس تعداد ۳۰ پرسش نامه اجرا شده در جامعه آماری پایایی تحقیق مورد سنجش قرار گرفت (با میانگین ۰.۸۲٪).

۵. یافته‌ها و دستاوردها

جدول ۱. مشخصات آزمودنی‌ها بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی

متغیرهای زمینه‌ای	پاسخ‌ها	درصد
جنسیت	مرد	۶۸
	زن	۳۲
سطح تحصیلات	کاردانی	۱۸٫۲
	کارشناسی	۳/۶۵
	ارشد	۲/۱۰
	دکتری	۲/۶

1. Self-Report
 2. asiran.com/003bJa
 3. Simple balanced sampling

متغیرهای زمینه‌ای	پاسخ‌ها	درصد
وضعیت اقتصادی	خوب	۲/۱۰
	متوسط	۶/۶۳
	ضعیف	۲/۲۶
میزان درآمد	زیر ۴ میلیون	۴/۶۰
	۴-۶ میلیون	۳/۱۳
	۶-۱۰ میلیون	۷/۱۸
	۱۰-۲۰ میلیون	۴/۴
	بالای ۲۰ میلیون	۱/۳
وضعیت تأهل	متاهل	۷/۱۴
	مجرد	۴/۸۴
	طلاق	۱

همان‌طور که از جدول (۱) مشخص است اغلب دانشجویان به لحاظ جنسیتی مرد، به لحاظ تحصیلاتی لیسانس، به لحاظ اقتصادی متوسط، به لحاظ درآمدی زیر ۴ میلیون و به لحاظ تأهل، مجرد هستند.

جدول ۲. وضعیت حجاب در ده سال اخیر

پاسخ‌ها	درصد
به شدت افزایش یافته است	۱
اندکی افزایش یافته است	۳.۱
تغییری نکرده است	۶.۲
اندکی کاهش یافته است	۲۴.۴
به شدت کاهش یافته است	۵۹.۶

همچنان‌که از داده‌های جدول (۲) مشخص است حدود ۸۵ درصد پاسخگویان قائل به کاهش حجاب در سطح جامعه هستند. در نقطه مقابل حدود ۴ درصد قائل به افزایش حجاب در جامعه هستند؛ همچنین حدود ۶ درصد دانشجویان نیز وضعیت حجاب را در یک دهه اخیر بدون تغییر عنوان کرده‌اند.

جدول ۳. التزام به حجاب از روی شرع

درصد	پاسخها
۷.۱	خیلی زیاد
۱۹.۶	زیاد
۳۶	متوسط
۲۰	کم
۱۰.۷	خیلی کم
۶.۷	نمی دانم

مطابق با داده‌های جدول (۳) می‌توان چنین اظهار داشت که بخش قابل توجهی از جمعیت دانشجویی، دلیل و فلسفه حجاب را مرتبط با دین معنی نمی‌کنند. به طوری که فقط ۲۶.۷ درصد جمعیت مذکور، دلیل حجاب را التزام به شرع عنوان کرده‌اند.

جدول ۴. نوع نگاه به بدحجاب و بدحجابی

میزان موافقت	پاسخها
۲۵.۸	حذف قانون الزام حجاب اسلامی سبب برهنه شدن جامعه می‌شود.
۸.۹	زنانی که پوشش موی سر را رعایت نمی‌کنند، عفاف ندارند.
۳۸.۲	عدم رعایت حجاب اسلامی، جامعه را به فساد می‌کشد.

نوع نگاه به بدحجابی و افراد بدحجاب در جامعه یکی از ابهامات و چالش برانگیزترین پرسش‌ها است. نگاهی به داده‌های به دست آمده از جدول (۴) حاکی است که بخش قابل توجهی از دانشجویان با گزاره‌های سه‌گانه موافق نیستند (حدود ۲۷ درصد). از طرف دیگر نگاهی آماری به سه‌گانه مذکور حاکی است که جامعه دانشجویی در قبال پیامدهای مرتبط بدحجابی دچار چنددستگی هستند.

جدول ۵. آمادگی به حجاب/ بی حجابی

پاسخها			گویه‌ها
خیر	فرقی نمی‌کند	بله	
۴.۴	۶۸.۴	۲۷.۱	حضور بدون حجاب در جامعه برای خانواده خود
۴۲.۲	۲۶.۲	۳۱.۶	تمایل به برداشته شدن قانون الزام به حجاب

نگاهی آماری به جدول (۵) نشانگر قطبی شدن الگوی مواجهاتی دانشجویان در قبال آمادگی به حجاب/ بی حجابی در جامعه است. آنچه در این میان اهمیت دارد، نقش قابل توجه بی تفاوت‌ها در قبال امر حجاب است.

جدول ۶. تعریف شما از حجاب

درصد	پاسخ‌ها
۱۰.۲	حجاب یعنی پوشاندن قسمت بیشتر بدن و مقداری از موی سر
۶.۷	حجاب یعنی پوشش کامل بدن و استفاده از روسری بر روی سر حتی اگر بیشتر موی سر پیدا باشد
۱۲.۴	حجاب یعنی پوشش کامل بدن و کلیت موی سر (اگر مقداری موی بیرون باشد اشکالی ندارد)
۴۲.۷	حجاب یعنی پوشش کامل بدن و موی سر حتی یک تار مو (جز صورت و دو دست)
۲۸	سایر

داده‌های مربوط به جدول (۶) حاکی است که در وهله نخست؛ تنوع معناشناختی از حجاب در بین دانشجویان به طور قابل توجهی دیده می‌شود و وهله بعدی می‌توان چنین استنتاج کرد که در مقایسه با سایر معناشناختی‌ها، حدود ۴۳ درصد دانشجویان حجاب را پوشش کامل بدن و مو معنا کرده‌اند.

جدول ۷. کیفیت حجاب فعلی شما

درصد	پاسخ‌ها
۲۷.۶	به پوشش موی سر توجه دارم، ولی اگر چند تار موی بیرون باشد برایم اهمیتی ندارد.
۱۳.۳	پوشش موی سر برایم اهمیت ندارد و فقط به خاطر الزامات فرهنگی و قانونی به آن احترام می‌گذارم و چیزی بر روی سرم می‌اندازم
۴.۴	پوشش موی سر را اصلاً مراعات نمی‌کنم
۲۳.۱	می‌کوشم حتی یک تار موی هم بیرون نباشد
۳۱.۶	بی پاسخ/ سایر

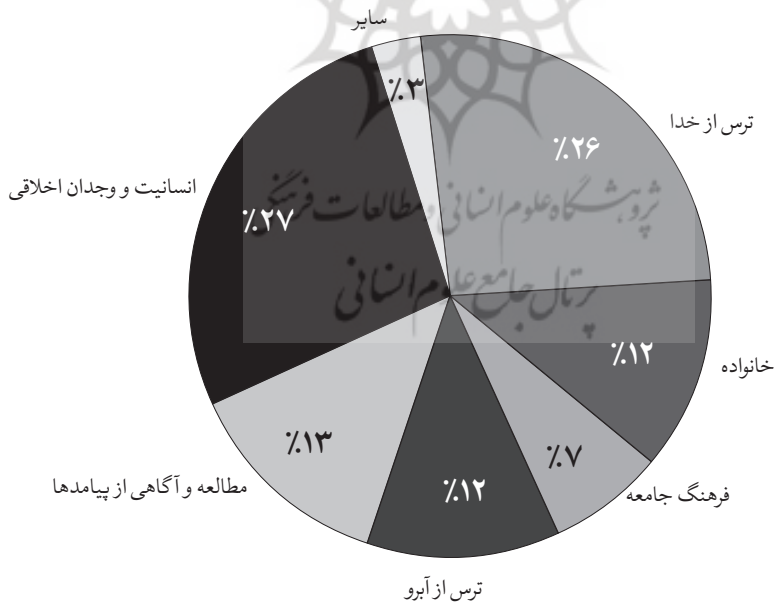
همچنان که از داده‌های جدول (۷) مشخص است اغلب افراد با این گزاره که «به پوشش موی سر توجه دارم، ولی اگر چند تار موی بیرون باشد، برایم اهمیتی ندارد» موافق‌اند؛ اما به‌رغم اینکه حدود ۴۳ درصد افراد موافق حجاب کامل در معناشناسی حجاب بودند؛ ولی ۲۳ درصد افراد در عمل به آن اهتمام دارند.

جدول ۸. در صورت برداشته شدن قانون الزام به حجاب

پاسخ‌ها	درصد
پوششم تغییری نمی‌کند	۴۶.۲
خیلی بیشتر حجاب را رعایت می‌کنم	۶.۲
حجابم کمی بیشتر می‌شود	۱.۳
حجابم کمی کاهش پیدا می‌کند	۸.۹
کلاً بدون حجاب در جامعه ظاهر می‌شوم	۵.۸
بدون پاسخ	۳۱.۶

مطابق با داده‌های جدول (۸) اغلب پاسخگویان در قبال این پرسش که اگر قانون الزام به حجاب برداشته شود، حجابشان چه تغییری می‌کند؟ اظهار داشته‌اند که «بدون تغییر خواهند ماند»؛ بنابراین برای پوشش اغلب دانشجویان، بود یا نبود قانون الزام به حجاب - حداقل در نظر اول - فرقی نمی‌کند.

نمودار ۱. بزرگ‌ترین مانع برای انجام کارهای منفی



در صورتی که بدحجابی و روابط اجتماعی خارج از چهارچوب را به مثابه یکی از مصادیق امور ناصحیح قلمداد کنیم، چه چیزی مانع گرایش دانشجویان بهنجار به امور مربوطه می‌شود؟

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد از منظر واحدهای تحلیل موانع چندگانه‌ای در این راستا قابل طرح است؛ انسانیت و وجدان اخلاقی در کنار ترس از خدا دو مانع بزرگی در مسیر بدحجابی عنوان شده‌اند. در وهله بعدی مطالعه و آگاهی از پیامدهای ناشی از بدحجابی (با ۱۳ درصد)، ملاحظات خانوادگی (با ۱۲ درصد)، ترس از آبرو (با ۱۲ درصد)، ملاحظات مرتبط با فرهنگ جامعه (با ۷ درصد) موانع بدحجابی عنوان شده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که نزد دانشجویان، حجاب به لحاظ تئوریک و عملی چه تغییراتی داشته است؟ برای پاسخ‌دهی به این پرسش کلیدی، با در نظر گرفتن ظرفیت‌های موجود در ادبیات نظری و پژوهشی اغلب از شاخص‌های پیامدی و عملکردی بهره برده شد. در این مسیر با توجه به حساسیت‌های اجتماعی و چندوجهی بودن آن کوشش شد تا حد امکان زمینه پاسخگویی آزادانه مشارکت‌کنندگان تسهیل شود.

نتایج حاصل از پژوهش حاکی است که عفاف و حجاب نزد دانشجویان دچار تغییرات کمی و کیفی قابل توجهی شده است که می‌توان چنین استنتاج کرد:

- اکثر دانشجویان روند حجاب در یک دهه اخیر را کاهش‌ی عنوان کرده‌اند (حدود ۸۵ درصد) که با سایر پیمایش‌ها همسویی دارد. به نظر می‌رسد به مرور شاهد کاهش اعتقاد به وجوب حجاب در جامعه خواهیم بود که این امر، برداشت نسبی‌گرایانه از پوشش را گسترش می‌دهد. چنین ریزشی بیانگر تغییر اعتقاد به مقوله حجاب در میان مردم و همچنین کاهش شدن روند حجاب در آینده نیز دارد.
- فقط ۲۶.۷ درصد دانشجویان حجاب خویش را امر دینی و نوعی التزام به شرع عنوان کرده‌اند؛ به عبارت دیگر حجاب از این نقطه نظر امر عرفی معنی شده است تا شرعی. این یافته در قیاس با پژوهش صداوسیما (۱۴۰۰) که در آن نیمی از پاسخگویان دانشجویی (۴۸.۵ درصد)، حجاب را واجبی شرعی و جزء احکام دینی دانستند تفاوت معناداری کرده است؛ به عبارت دیگر از وابستگی حجاب به شرع در معناشناسی و عملکرد کاسته شده است؛ بنابراین روند پژوهش‌ها از سال ۹۶ تاکنون گویای کاسته شدن اعتقاد به

- شرعی و واجب بودن حجاب است که این مسئله می تواند نشانه یکی از مخاطره آمیزترین مسائل در روند کاهشی حجاب در آینده ایران باشد که باید برای آن برنامه ریزی نمود.
- بدحجابی از منظر بخش قابل توجهی از مشارکت کنندگان به منزله مسئله اجتماعی یا مسئله فرهنگی معنی نشده است (عدم نگاه منفی به حجاب). این گزاره با یافته حسین زاده (۱۳۹۹) که در آن از منظر حدود ۴۰ درصد دانشجویان حجاب امری شخصی و بدون ارتباط با پاک دامنی عنوان شده، همسویی دارد. به طوری که در پژوهش حاضر فقط ۹ درصد دانشجویان قائل به تناقض بین بدحجابی و پاک دامنی بوده اند، هرچند طبق یافته های صداوسیما در اسفند ۱۴۰۰، بیش از ۶۰ درصد دانشجویان حجاب را سبب حفظ عفت و پاک دامنی زنان دانستند. البته تناقضی میان این یافته های دیده نمی شوند. از طرف دیگر حدود یک چهارم دانشجویان قائل به فسادزایی و برهنگی در جامعه بدون التزام به حجاب هستند.
 - جامعه دانشجویی در قبال قانون التزام به حجاب دوقطبی شده است (موافقان و مخالفان نسبتاً مساوی). چنین نتیجه ای در سایر پیمایش های ملی همچون پیمایش اسفندماه ۱۴۰۰ مرکز تحقیقات صداوسیما نیز به دست آمده است؛ بنابراین می توان گفت نتایج نشان می دهد اجماعی در خصوص نحوه برخورد یا عدم برخورد با افراد بدحجاب وجود ندارد و به نوعی تضاد و دودستگی در این باره وجود دارد. افزایش این دوگانگی ها در جامعه، نتایج زیان باری برای یکپارچگی و انسجام جامعه در پی خواهد داشت و باید برای آن ها چاره ای اندیشید.
 - معنی شناسی مسلط از حجاب نزد دانشجویان کماکان رویکرد «حجاب کامل» است. به طوری که حدود ۴۳ درصد دانشجویان کماکان معنایی که از حجاب استنباط می کنند این گزاره است: حجاب، یعنی پوشش کامل بدن و موی سر حتی یک تار مو (جز صورت و دو دست). به رغم چنین آمار، فقط ۲۳ درصد دانشجویان در عمل چنین رویکردی را پیاده می کنند. این بخش از گزارش با یافته های ایسپا (۱۳۹۳) با عنوان «سبک زندگی دانشجویان بر اساس الگوی آرمانی فارغ التحصیل شایسته نظام آموزش عالی ایران» همسو است. طبق پژوهش ایسپا در سال ۸۸ در میان دانشجویان، ۵۸.۳ درصد موافق و کاملاً موافق گویه مذکور بودند، در حالی که در سال ۸۸، این تحقیق در میان شهروندان، بیانگر موافقت و کاملاً موافقت ۶۶.۶ درصد مردم بوده است که نشان از تفاوت دیدگاه دانشجویان با دیگر گروه های اجتماعی دارد.
 - نزدیک نیمی از دانشجویان نوع پوشش خویش را بدون ارتباط به قانون الزام به حجاب عنوان کرده اند. از این منظر حتی در صورت حذف قانون، وضعیت حجابشان دچار تغییر

نمی‌شود و کمتر از ۶ درصد آن‌ها، بدون حجاب در جامعه ظاهر می‌شوند. این نتیجه با یافته‌های مرندی (۱۴۰۰) که معتقد بود «مسئله حجاب در ایران از سنخ بی‌حجابی (نداشتن روسری) نیست و نباید تصور کرد که با برداشتن روسری به نقطه نهایی خود می‌رسد و متوقف می‌گردد، بلکه این مسئله شروعی برای نوع جدیدی از بی‌حجابی خواهد بود که به برهنگی ختم می‌شود» متفاوت است.

- انسانیت و وجدان اخلاقی از منظر دانشجویان حتی بالاتر از «ترس از خدا» مانع هنجارشکنی در خصوص حجاب و روابط خارج از چهارچوب شرع عنوان شده است.
- کاهش بودن التزام به حجاب، شخصی‌شدن، معنی‌شناسی خنثی (گاهی مثبت از بدحجابی) در کنار تقویت نگاه غیردینی و عرفی به حجاب مهم‌ترین تغییرات عمده‌ای است که در پژوهش حاضر استنتاج شد.

پیشنهاد‌های راهبردی

با در نظر گرفتن تغییرات گفتمانی در سطح بین‌الملل حول زن و خانواده و پیامدهای فرهنگی و روانی ناشی از مدرنیته از یک سو و واقعیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌توان راهبردهای زیر را پیشنهاد داد:

راهبرد ۱: حکمرانی بر نهاد خانواده

- تشکیل مرکز تحکیم خانواده با هدف حفظ کیان خانواده و تحقق الگوی اسلامی خانواده و تربیت دینی؛
- ایجاد مرکزی برای مشاوره، آموزش و آگاهی و هدایت خانواده‌ها در رفع شکاف میان والدین و فرزندان؛
- بسیج صنعت تربیت و تبلیغ حول فرهنگ خانواده.

راهبرد ۲: غیرسیاسی نمودن تدریجی حجاب

- کاهش تدریجی پرداخت مستقیم حاکمیت به مقوله حجاب؛
- ایجاد سازوکارهای قانونی برای تجمعات اعتراضی با رسمیت بخشی به گروه‌های معترض.

راهبرد ۳: جرم‌انگاری موارد ضد خانواده و ضد اخلاق هنجارشکن با تأکید بر دایره

تحت اشراف دولت

- فراهم نمودن بستر اصلی اجرای این راهبرد در اماکن مرتبط با دولت یعنی: ۱- دانشگاه، ۲- مدارس، ۳- ادارات و ۴- خانواده‌های مسئولان؛

- تحول و بازنگری جدی در بحث گزینش معلمان، کارکنان و متولیان مرتبط با امور فرهنگی.
- راهبرد ۴: تنوع‌بخشی به روش‌ها و تکنیک‌های تربیتی**
- استفاده از روش‌های یادگیری نوین در موضوعات دینی از طریق رسانه‌های سنتی و مدرن؛
- فعال‌سازی انجمن اولیا و مربیان با هدف درگیرسازی خانواده‌ها با هدف آگاه‌سازی؛
- مسئولیت‌سازی اصناف، اتحادیه‌ها و تفویض امور به آن‌ها بدون نشان دادن دخالت حاکمیت؛
- استفاده جامع از ظرفیت بانوان محجبه و معروف تازه مسلمان شده خارجی به‌ویژه مستندات جذاب تلویزیونی.

راهبرد ۵: حمایت از تولید و توزیع‌کنندگان صنعت حجاب

- اتصال منفعت بین حجاب و مراکز، نهادها، اصناف و اشخاص متولی مد، فشن و لباس؛
- حل بحث اقتصاد حجاب خانواده‌ها: برنامه‌ریزی و سوسپید مالی - حمایتی دولت؛
- ارائه الگوهای جدید و اصلاح شده مد و لباس به جامعه.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. آبیاری، زهرا و همکاران. ۱۳۹۹. چالش‌های نظری حجاب در ایران پسا انقلاب: تحلیلی بر رویکردهای موجود از حجاب و عفاف. نشریه اسلام و علوم اجتماعی ۲۳.
۲. اخلاصی، ابراهیم و همکاران. ۱۴۰۰. مسئله شناسی حجاب در جامعه ایرانی (مورد کاوش مقالات علمی ۱۳۸۳-۱۳۹۷). نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران ۱۲ (۲).
۳. افشار، محمدحسین و همکاران. ۱۳۹۶. شناسایی موضوعات اساسی مورد نیاز سبک زندگی دانشجویی از منظر صاحب‌نظران اسلامی. نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۲۱ (۲).
۴. افشار، محمدحسین. ۱۳۹۴. شناسایی و اولویت‌بندی موضوعات اساسی مورد نیاز سبک زندگی دانشجویی با توجه به صاحب‌نظران دیدگاه اسلامی جهت طرح در محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. امامی، سید مجید. ۱۳۹۲. چارچوبی انتقادی برای سیاست پژوهشی مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران؛ منطبق بر نظریه و الگوی عرفی شدن جامعه ایران. نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی ۱.
۶. بررسی سبک زندگی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی کشور. زیر نظر محمد آغاسی، تهران، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، خرداد ۱۳۹۳.
۷. ترکاشوند، امیر. ۱۳۸۹. حجاب شرعی در عصر پیامبر. تهران: بعثت.

۸. حیدری، حمید، و احمد رضایی. ۱۳۹۱. تحلیل جامعه‌شناختی هویت حرفه‌ای دانشجویان مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ۵ (۲).
۹. دهقان‌پور، علیرضا، و لیلا اوشلی. ۱۳۹۸. معناشناسی حجاب در قرآن. نشریه مطالعات قرآن و حدیث سقیفه ۶۴.
۱۰. شجریان، مهدی. ۱۴۰۱. فلسفه‌های حجاب و عدالت جنسیتی. فصلنامه علمی. پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی. ۱۰ (۳۷).
۱۱. عباس‌پور، سمیه و همکاران. ۱۴۰۱. تحلیلی بر سبک زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی مطالعه موردی دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیرالدین طوسی. فصلنامه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت ۶ (۲).
۱۲. عبدالرحمانی، رضا، و حسین علی سهرابی. ۱۳۹۹. آسیب‌شناسی ارتباطات بین سازمانی متولیان حجاب و عفاف، نشریه مطالعات راهبردی زنان ۹۰.
۱۳. عشایری، طاهار و همکاران. ۱۴۰۱. مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب فراتحلیل در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۹. نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۹۰.
۱۴. فاضلی، محمد. ۱۳۸۶. تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ۱.
۱۵. فاضلی، محمد. ۱۳۸۲. مصرف و سبک زندگی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
۱۶. کاویانی، محمد، ۱۳۹۲. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. گیدنز، آلبرت. ۱۳۷۸. تجدد تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موققیان. تهران، نشر نی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۸. محمدحسین زاده، معصومه و همکاران. ۱۳۹۹. افول ارزش‌های عفاف و حجاب در دانشکده پزشکی. نشریه تربیت اسلامی ۳۲.
۱۹. مرندی، سید علی. ۱۴۰۰. بایسته‌های سیاست‌گذاری در باب حجاب در جمهوری اسلامی ایران. دیده‌بان امنیت ملی ۱۱۶.
۲۰. مرنیسی، فاطمه. ۱۳۹۰. زنان پرده‌نشین و نخ‌بازان جوشن‌پوش. ترجمه ملیحه مغازه‌ای. تهران: نشر نی.
۲۱. مهریزی، مهدی. ۱۳۸۹. نوادینشی دینی و مسئله زن. قم: صحیفه خرد.
۲۲. مؤمنی، حسن و عبدالحسین کلانتری. ۱۳۹۵. بدحجابی؛ واکنش سوژه به تأیید اجتماعی. نشریه توسعه اجتماعی ۱۱ (۱).
۲۳. میری بعد، انیس. ۱۳۹۳. بررسی رابطه بین میزان مطالعه منابع دینی و گرایش به سبک زندگی اسلامی. بوشهر: کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۲۴. میری‌پور فرد، فریبا. ۱۳۹۲. نگرش دینی و سبک زندگی (بررسی رابطه بین نگرش دینی و سبک زندگی دانشجویان دانشگاه گیلان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
۲۵. نوروزی، فیض‌الله، و آذر پت رامی. ۱۳۹۵. بررسی سبک زندگی دانشجویان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. نشریه رفاه اجتماعی ۱۶ (۶۲).

۲۶. هاشمی، عباس. ۱۴۰۰. طراحی مدل سبک زندگی دانشجویی بر اساس آموزه‌های دینی و ایرانی. نشریه مطالعات حقوق شهروندی: ۲۰: ۵۷۸.
۲۷. وضعیت حجاب در تهران و ۳۱ شهر دارای مرکز صداوسیما، مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، اسفند. ۱۴۰۰.
۲۸. یحیایی، سبحان. ۱۳۹۸. پوشش دختران در ارتباطات انسانی خرده فرهنگ‌های دانشجویی؛ مطالعه کیفی نمونه‌های کرانه‌ای مغایر با الگوی رسمی حجاب. نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات ۵۷.
۲۹. یزدی، سیدمحمدکاظم. العروة الوثقی مع تعلیقات الفاضل. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)، [بی تا]، ج ۲.

بیانات مقام معظم رهبری

۳۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بانوی کرمانشاهی قهرمان ووشو، ۱۳۹۲/۸/۲۰.
۳۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از بانوان پزشک سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.
۳۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از پرستاران، ۱۳۷۳/۷/۲۰.
۳۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از پزشکان متخصص و مسئولان نخستین کنگره حجاب اسلامی، ۱۳۷۰/۱۰/۴.
۳۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره شهدای ورزش کشور، ۱۳۹۴/۱۰/۲۱.

ب- منابع لاتین:

35. Cooke, Mirian. 2001. Women Claim Islam: Creating Islamic Feminism through Literature. New York and London: Routledge.
36. Kılıçbay, B., and Binark, M. 2002. Consumer culture, Islam and the politics of lifestyle fashion for veiling in contemporary Turkey. European Journal of Communication 17(4).
37. ocock, R. 1992. Consumption and Lifestyles. In Social and Cultural Forms of Modernity, 119-167. Edited by Robert Boccock and Thompson. Open University Press.
38. Palumest, liis. 2002. Space of Lifestyles in Stonia in 1991. pro ethnologia.